بازتعریف مفهوم فرج و ظهور در شعر آیینی

ادب انتظار صالحان

رضا اسماعیلی
پژوهشگر دینی و شاعر آیینی

این نوشتار به قصد تبیین و تشریح اجمالی گزاره‌های غلطی که در «شعر انتظار» از بسامد بالایی برخوردارند، قلمی شده است. گزاره‌هایی چون:
۱- عبث بودن خلقت در «عصرغیبت»
۲- «غیبت» را معادل «عدم حضور» دانستن
۳- صاحب اختیار دانستن امام زمان در تعیین زمان ظهور
۴- خط و نشان کشیدن برای امام زمان(امر به ظهور!)
۵- نگاه به امام زمان به‌عنوان یک «ابَر انسان» یا «مافوق انسان»
۶- اصلاح امور جهان را متوقف به ظهور حضرت دانستن
۷- امام زمان را به جای خدا کارگردان عالم هستی دانستن
۸- نفرین به روزگار به بهانه طولانی شدن دوران غیبت!
در «عصرغیبت»، زندگی دور و تسلسل باطل نیست
گاهی در انتظار سروده‌ها با ابیاتی مواجه می‌شویم که مُبین ناآشنایی شاعر با فرهنگ و فلسفه انتظار است. ابیاتی از قبیل:
در زمان غیبتت، عالم نمی‌ارزد به هیچ!
بی خدا می چرخد این گردون، تبسم کن، بیا
پوچ است مولا!
زندگی بی‌تو
«کن فیکون» بادا زمان بی‌تو
این که در شعر انتظار روی این باور غلط پای بفشاریم که «بدون امام زمان گردش روز و شب پوچ و بی‌معناست، فصل‌ها تکراری و گرفتار دور و تسلسلی باطل‌اند و...»، مؤید این حقیقت است که درک و دریافت ما از فرهنگ انتظار، برداشتی صرفاً احساسی و غیرمنطبق با آموزه‌های اصیل دینی است، شناختی سطحی و عامیانه.
علی رغم چنین تصوری، در چشم و دل انسان مؤمن، هیچ چیز در عالم خلقت بیهوده آفریده نشده است و خلقت دنیا هدفمند است، نه بازیچه. همچنان که خداوند در آیات ۱۶ تا ۱۸ سوره انبیا می‌فرماید: «آسمان، زمین و آنچه که میان آنها است را به بازیچه نیافریدیم. اگر ما می‌خواستیم جهان را به بازی گیریم خود چنین می‌کردیم و چنین می‌بود. بلکه (این گونه نیست و جز آنکه کار از سر بازی نیست)، همیشه حق را بر باطل می‌افکنیم، تا آن را تباه سازد؛ این است که باطل نابود است؛ وای بر شما از آنچه (خدا را به آن) وصف می‌کنید و کار را بازیچه می‌پندارید».
همچنین خداوند در آیه ۲۷ سوره «ص» نیز می‌فرماید: «آسمان و زمین و آنچه در میان آنها است را به باطل نیافریدیم. این پندار کسانی است که کفر پیشه ساخته‌اند، وای بر کفر پیشگان از گرفتاری در دوزخ.»
با عنایت به آیات فوق، القای این باور غلط که در عصر غیبت امام زمان، چرخ فلک عبث به دور خود می‌چرخد و ما عاطل و باطل زندگی می‌کنیم، در تقابل با فرهنگ و فلسفه اصیل انتظار است.

■ **«غیبت» معادل «عدم حضور» نیست**

گزاره غلط دیگری که گاهی در انتظارسروده‌ها به آن بر می‌خوریم، «غیبت» را معادل «عدم حضور» دانستن است. برای مثال در بعضی شعرها می‌خوانیم:
تو غایبی و نشانی ز ردپایت نیست
تو نیستی و جهان قطره قطره می‌میرد
در حالی که در فرهنگ انتظار «ظهور» معادل «حضور» و «غیبت» معادل «عدم حضور» نیست. چنان که در متون معتبر شیعی نیز از امام زمان به‌عنوان «غایب حاضر» نام برده شده است. یعنی کسی که در عصر غیبت نیز در جمع مردم حضور دارد و در معادلات عالم هستی تأثیرگذار است. مضمون «غایب حاضر» در انتظار سروده‌ها از دیرباز مورد توجه شاعران بوده است و شاعران بزرگی چون سنایی، عطار، مولانا، سعدی و حافظ نیز با این نگاه از امام زمان سخن گفته‌اند. در شعر معاصر نیز حضرت «موعود» وجودی شاهد و حاضر است و علت عدم درک حضور او، حجاب‌های ظلمانی است که بر جان و جهان ما سایه انداخته است:
می تراود آفتاب، جز من و تو کو حجاب؟
شاعر! او نهفته نیست، از خودت که بگذری
(قربان ولیئی)
از منظر شاعران شیعی، حضرت موعود(عج) غیبتی ندارد، بلکه به امر خدا، فقط از دیده‌ها پنهان است. این مضمون برگرفته از متن آیات، روایات و احادیثی است که از معصومین (علیهم السلام) برای ما به یادگار مانده است.
امام صادق(ع) می‌فرماید: «مردم امام خود را نیابند، امام در موسم حج حاضر می‌شود و آنها را می‌بیند، ولی آنها او را نمی‌بینند.» (کافی، ج ۱، ص ۱۳۶)
در حدیث دیگری از امام صادق(ع) آمده است که: «صاحب این امر- حضرت حجت- در میان آنها راه می‌رود و در بازارشان رفت و آمد می‌کند، روی فرش‌هایشان گام برمی دارد، ولی او را نمی‌شناسند.» (بحار، ج ۲، ص ۱۵۴)
کی رفته‌ای زدل که تمنا کنم تو را
کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را
غیبت نکرده‌ای که شوم طالب حضور
پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را

■ **امام زمان در امر «ظهور» صاحب اختیار نیست**

در حدیثی از امام صادق(ع) می‌خوانیم: «ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که: از او درباره قائم علیه السلام سؤال کردم؛ فرمود: وقت‌گذاران دروغ گفته‌اند. ما خاندانی هستیم که وقت را تعیین نمی‌کنیم./الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸.»
طبق آیات و روایات و مستندات دینی، هیچ کس جز خدا از زمان ظهور حضرت حجت(عج) خبر ندارد و آگاه نیست و بیرون آمدن از پرده غیبت جز به اذن و اراده الهی ممکن نیست. حضرت موعود نیز همچون ما «منتظر» فرا رسیدن زمان ظهور خویش است و در این مورد اختیاری بیش از آنچه خدا به او عنایت کرده ندارد. بنابراین درخواست استعجال - یا در مواردی تعویق - در ظهور، با عباراتی از قبیل «همین جمعه باید بیایی، وگرنه...؟!» یا «تعجیل مکن، ظهور آقا زود است!» علاوه بر این که خروج از دایره ادب دینی است، درخواستی نامعقول و خارج از دایره اختیارات امام زمان است.
بله، در روایات و احادیث دعا برای تعجیل ظهور حضرت بسیار توصیه شده است، ولی این دعا «درخواست از خداست»، نه درخواست از امام زمان(عج). زیرا همان گونه که اشاره شد امر ظهور تنها و تنها در دست خداست و در این امر «توقیت» -تعیین وقت- محلی از اعراب ندارد. چنان که در روایات زیر نیز بر این دقیقه تأکید شده است:
در روایتی از امام باقر(ع) سؤال شد: «هل لهذا الأمر وقت؟: آیا ظهور صاحب الزمان وقت معینی دارد؟ حضرت در پاسخ سه بار فرمود: «کَذَبَ الْوَقَّاتُونَ کَذَبَ الْوَقَّاتُونَ کَذَبَ الْوَقَّاتُونَ.» یعنی «کسانی که برای ظهور، وقت تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند./الکافی، ج ۱، ص ۳۶۸، ح ۵، باب کراهیة التوقیت.»
از امام جواد(ع) نیز نقل شده است: «إِنَّ لَهُ غَیبَة یکثُرُ إیامُهَا وَ یطُولُ اَمَدُهَا فَینْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَ ینَکِرُهُ الْمُرْتَابُونَ وَ یسْتَهْزِئُ بِهِ الْجَاحِدُونَ وَ یکذِبُ فِیهَا الْوَقَّاتُونَ وَ یهْلِک فِیهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ ینْجُو فِیهَا الْمُسْلِمُون: برای او غیبتی طولانی است که علاقه‌مندان، منتظر ظهورش خواهند بود و آنها که تردید دارند انکار می‌کنند و مخالفین، آن را به باد مسخره می‌گیرند! کسانی که وقت ظهور را تعیین می‌کنند دروغگو می‌باشند و آنان که در این باره شتاب می‌نمایند به هلاکت می‌رسند و آنها که در مقام تسلیم هستند رستگار می‌شوند./ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷، ح ۵.»
اسحاق بن یعقوب روایت می‌کند که توقیعی به دست محمد بن عثمان از ناحیه مقدسه امام زمان(عج) در جواب سؤالات من صادر گشت که از جمله نوشته بود: «وَأَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَی اللهِ وَ کذَبَ الْوَقَّاتُون: ظهور فرج پس قطعاً به خدا و اراده او وابسته است و آنها که برای ظهور، وقتی را معین می‌کنند، دروغگویند./ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰.»
بنابراین، ادب دینی حُکم می‌کند که تنها برای تعجیل در ظهور دعا کنیم و همچون حضرت عطار، وقوع این اتفاق خجسته را از خدا بخواهیم:
یا الهی! مهدی‌ام از غیب، آر
تا جهان عدل گردد آشکار
عطار نیشابوری

■ **خط و نشان برای «امام زمان» بد است**

طبق آیات و روایات و مستندات دینی، هیچ کس از زمان ظهور حضرت حجت(عج) جز خدا آگاه نیست و طولانی شدن زمان غیبت نیز فلسفه و حکمتی دارد. بنابراین هر گونه ادعایی در این خصوص دروغ محض و بازی با احساسات مذهبی مردم است که هرگز نباید به آن وقعی نهاد. خداوند در قرآن می‌فرماید:
«وَ ما لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْم أن یتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَ أن الظَّنَّ لا یغْنی مِنَ الْحَقِّ شَیئًا: آنها هرگز به این سخن دانشی ندارند، تنها از گمان بی پایه پیروی می کنند با این که گمان هرگز انسان را از حق بی نیاز نمی کند./نجم - آیه ۲۸.»
صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۴۷.»

■ **اصلاح امور جهان، متوقف به ظهور حضرت نیست**

«کسانی که مغرض یا نادان بودند، این طور به مردم یاد داده بودند که انتظار، یعنی این که شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید تا صاحب عصر و زمان خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفاسد را برطرف نماید! انقلاب، این منطق و معنای غلط و برداشت باطل را، یا کمرنگ کرد یا از بین برد.» (مقام معظم رهبری، در سالروز میلاد امام عصر(عج)، ۱۱ اسفند ۱۳۶۹)
این گزاره که «هیچ کاری در این دنیا اصلاح نمی‌شود، مگر با ظهور امام»، از دیگر باورهای غلطی است که متأسفانه ما نیز به‌عنوان شاعر آیینی گاهی با سرودن اشعاری از جنس شعر زیر به این باور غلط مُهر تأیید می‌زنیم:
هیچ کاری برنمی آید ز دست ما عزیز
بی تو حال و سال‌مان هر روز بدتر می‌شود
اینکه اصلاح امور جهان متوقف به ظهور حضرت حجت(عج) است و ما برای سامان بخشیدن به ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و...هیچ رسالت و مسئولیتی نداریم، اندیشه‌ای غلط و صددرصد انحرافی است. در جهان بینی اسلامی، منتظر مصلح، خود باید صالح باشد و در مسیر اصلاح امور جامعه تلاش کند.
چنان که در آیه (۱۱) سوره «رعد» می‌خوانیم: «إِنَّ اللهَ لَا یغَیرُ مَا بِقَوْم حَتَّی یغَیرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ: خداوند سرنوشت هیچ قَوم (و ملتی) را تغییر نمی دهد، مگر آن که آنان سرنوشت خود را تغییر دهند.» با عنایت به مضمون این آیه، مشروط کردن اصلاح امور جهان به ظهور حضرت حجت و شانه خالی کردن از زیر بار هر گونه مسئولیت انسانی و اجتماعی، تفکری غیراسلامی و انحرافی است. این که ما با حالتی منفعل دست روی دست بگذاریم و به امید ظهور حضرت بنشینیم تا همه کارها را سروسامان دهد، نشانه شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت انسان بودن و مسلمان بودن است. «انتظار» به معنای نشستن و آه کشیدن نیست چنان که حضرت امام خمینی(ره) می‌فرماید:
«بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان (سلام‌الله علیه) را از خدا بخواهند، ... و یک دسته دیگر انتظار فرج را می‌گویند این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، ما تکلیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاءالله درست می‌کنند، دیگر ما تکلیفی نداریم، تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می‌گذرد، نداشته باشیم... این منطق اشخاصی است که می‌خواهند از زیر بار در بروند، اسلام اینها را نمی‌پذیرد، اسلام این را به هیچ چیز نمی‌شمرد، اینها می‌خواهند از زیر بار در بروند، یک چیز درست می‌کنند دو تا روایت از این طرف و آن طرف می‌گردند پیدا می‌کنند... این خلاف قرآن است...»
(امام خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳ و ج ۳، ص ۳۴۰.)

■ **یادمان باشد خداوند کارگردان عالم هستی است**

در حدیثی از امام زمان نیز می‌خوانیم: «انا برئ الی الله و الی رسوله ممن یقول انا نعلم الغیب و نشارکه فی ملکه اویحلنا محلا سوی المحل الذی رضیه‌الله لنا./ احتجاج طبرسی، جلد ۲، صفحه ۴۷۴.»
ترجمه: «من از افرادی (منظور افراد غالی و کسانی که درباره ائمه و مقام آنان غلو می‌کنند) که می‌گویند: ما اهل بیت (مستقلاً از پیش خود و بدون دریافت از جانب خداوند) غیب می‌دانیم و در سلطنت و آفرینش موجودات با خدا شریکیم، یا ما را از مقامی که خداوند برای ما پسندیده بالاتر می‌برند، نزد خدا و رسولش بیزاری می‌جویم.»
یکی از کژتابی‌های مضمونی و اعتقادی که در جان و جهان شعر انتظار رخنه کرده است، خط زدن و نادیده گرفتن خدا در تدبیر و کارگردانی عالم هستی است. چنان که در بعضی از انتظار سروده‌ها به ابیاتی از قبیل بیت زیر برمی‌خوریم:
خدا هم مانده در اصلاح کار این جهان مولا
در آ از پرده غیبت، صلاح کار دست توست!
گاهی ما به خاطر بی‌توجهی به اصل و عصاره معارف دینی که توحید و خداپرستی است - یا از روی شیفتگی و محبت افراطی - وقتی به امام زمان(عج) می‌رسیم از «خدا» هم خلع ید کرده و سامان عالم خلقت و جهان هستی را متوقف به ظهور حضرت موعود(عج) می‌کنیم. متأسفانه مضمون بعضی از انتظار سروده‌ها چیزی جز این نیست که تا امام زمان ظهور نکند، از خدا هم برای اصلاح امور این عالم کاری ساخته نیست! در حالی که ما اگر دانش آموخته مکتب انسان ساز قرآن باشیم، به بهانه تعظیم و تکریم امام زمان هرگز به خود اجازه نمی‌دهیم که خدا را از تخت کبریایی پایین بکشیم و تدبیر همه امور عالم و آدم را به امام زمان واگذار کنیم. چنان که در آیه (۵) سوره «سجده» می‌خوانیم: «یدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَی الْأَرْضِ ثُمَّ یعْرُجُ إِلَیهِ فِی یوْم کانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَة مِمَّا تَعُدُّونَ: خدا امور این جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند؛ سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سال‌هایی است که شما می‌شمرید به سوی او بالا می‌رود (و دنیا پایان می‌یابد).
همچنین در آیه (۲) سوره «حدید» بر قادر مطلق بودن خداوند و تدبیر همه امور عالم هستی توسط پروردگار تأکید شده است: «لَهُ مُلْکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ یحْیی وَیمِیتُ وَهُوَ عَلَی کلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ: مالکیت (و حاکمیت) آسمان‌ها و زمین از آن اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ و او بر هر چیز توانا است!»
با عنایت به آیات مورد اشاره و با دقت نظر در این دقیقه، باید از فروافتادن در چنین دام چاله‌ای که صبغه غالی گری و شرک دارد، پرهیز کنیم.

■ **نفرین به روزگار به بهانه طولانی شدن دوران غیبت!**

نفرین به روزگار به بهانه طولانی شدن غیبت
امام زمان(عج)، یکی دیگر از گزاره‌های غلط شعر آیینی روزگار ماست. حتماً شما هم گاهی هنگام خوانش شعرهایی که پیشانی نوشت آیینی دارند، به بیت‌هایی از قبیل بیت‌های زیر برخورده‌اید:
در غیبت امام زمان زندگی خطاست
اُف بر تو ای زمین و زمان، روزگار دون!
لعنت به روزگار و زمان و زمانه باد
می چرخد و خبر ز ظهور نگار نیست
ابیات بالا فقط نمونه‌ای از اشعاری است که گاهی با پیشانی نوشت «انتظار» در مطبوعات و خبرگزاری‌ها چاپ و منتشر می‌شود، با مضمون ناسزاگویی به روزگار. سرودن چنین ابیاتی نشانه آن است که ما در منزل صورت متوقف مانده و به ملکوت بصیرت راه نبرده‌ایم. شایسته نیست به بهانه تکریم و تجلیل امام زمان(عج) و دیگر بزرگان دینی، پا را از دایره ادب فراتر بگذاریم و در برابر حضرت حق جسور شویم و به ساحت بزرگان دینی اسائه ادب کنیم. ما حق نداریم به بهانه تأخیر در ظهور حضرت حجت به زمین و زمان ناسزا بگوییم و روزگار را محاکمه کنیم. چرا که در حدیثی نبوی می‌خوانیم: «لا تَسُبُّوا الدَّهرَ، فإنَّ اللهَ یقولُ: أنا الدَّهرُ، لی اللَّیلُ أجِدُّهُ وأُبلِیهِ: به روزگار ناسزا مگویید؛ زیرا خداوند می‌فرماید: روزگار من هستم. شب از من است و من آن را تو می کنم و کهنه می گردانم./ کنز العمّال: ۸۱۴۱.» و در حدیثی دیگر از پیامبر(ص) می‌خوانیم: «لا تَسُبُّوا الدَّهرَ؛ فإنَّ اللهَ هو الدهرُ: به روزگار ناسزا مگویید؛ زیرا خداوند همان [خالق] روزگار است.» آری، مطابق نص صریح آیات قرآنی و احادیث نبوی، خداوند خالق زمین و زمان و روزگار است و درشت گویی و سرزنش روزگار، به دور از ادب و آداب بندگی است.

■ **«انتظار» را درست معنا کنیم**

جان کلام آن که برای دریافت حقیقت «انتظار»، باید گزاره‌های غلط را از ذهن و زبان‌مان پاک کنیم و سیمای امام زمان را به درستی بر بوم شعر به تصویر بکشیم. یادمان باشد که حضرت موعود(عج) یک قهرمان افسانه‌ای با قدرت مافوق بشری نیست، بلکه پیش و بیش از هر چیز دیگر «اسوه حسنه» و «معلم اخلاق» است؛ معلمی که اساس کارش بر تزکیه نفس و تعلیم و تربیت استوار است. چنان که مرحوم آیت‌الله طالقانی در شرحی بر خطبه ۱۳۴ نهج البلاغه با تأکید بر این دقیقه می‌گوید: «اساس کار او - امام زمان - نه متکی به جنگ است و نه تهدید به سرنیزه و قوانین تحمیلی، شروع اصلاح و سازندگی‌اش از عقول و نفوس بشری است. این کاری است که نه قدرت نظامی می‌تواند انجام دهد و نه قوانین و تعلیمات و علوم بشری. معلوم و اکتشاف بشری هرچه پیش رود و وسعت یابد، اگر با هدایت و اصلاح و رشد عقلی و نفسانی همراه نباشد به خیر و صلاح بشری نخواهد بود... تحدید هواها و طغیان‌ها به وسیله هدایت و تنویر عقول و رشد کافی، نخستین کار و انقلاب است که شخصیت عالی آینده انجام می‌دهد و این هم دو قسمت دارد: قسمت نخست رشد و هدایت کلی و عمومی است برای همه بشر، قسمت بعد هدایت و حاکمیت شخص قرآن است که همان حاکمیت خدا و مشیت اوست.../ آینده بشریت از نظر مکتب ما، از انتشارات دانشگاه فردوسی، ص ۴۹-۵۰.»
آری، انتظار سازنده، انتظاری است که ما را از رکود و رخوت دور و به حرکت و بیداری دعوت کند. از این منظر، «شعر انتظار» نیز باید شعر زندگی و سازندگی، حرکت، تکاپو و بیداری باشد. شاعران شیعی انتظار را نه در نشستن و ایستایی، بلکه در برخاستن و پویایی معنا می‌کنند. شعر انتظار، شعر مردگی و بازدارندگی نیست، شعر زندگی و زایندگی است - اینچنین باد.
همیشه منتظرت هستم
بی آنکه در رکود نشستن باشم
همیشه منتظرت هستم
چونان که من
همیشه در راهم
همیشه در حرکت هستم
همیشه در مقابله
(طاهره صفارزاده، طنین بیداری، انتظار، تکا، ص ۲۱۷)